

نگاهی به فرهنگ ریشه‌شناسی زبانِ وخی

لیلا عسگری (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

Стеблин - Каменский, И.М. (1999). **Етимологический словарь ваханского языка**. СПб.: Петербургское Востоковедение.

وخی‌ها یا وخان‌ها از اقوام ایرانی‌اند که در سرحد (درهٔ وخان‌دریا در افغانستان) و وخان (مسیر علیای پنج در مرز میان تاجیکستان و افغانستان، محلی که رود پامیر و وخان‌دریا به هم می‌رسند و رود پنج را تشکیل می‌دهند تا محل آخرین گردش رود در شمال منطقهٔ اشکاشم) ساکن‌اند و به زبان وخی، که از زبان‌های ایرانی شرقی به شمار می‌رود، سخن می‌گویند. وخان ساحل راست جزء منطقهٔ اشکاشم ناحیهٔ خودمختار کوهستانی بدخشان تاجیکستان است. وخان‌ها در چترال و در گنجوت (شیخ‌نشین جامو و کشمیر) تا درهٔ (کناررود) یرخون، اشکمان، هُنزه، و شِمِشال نیز ساکن‌اند. وخان‌هایی هم در سین‌تسیزیان (چین) در سریکل و در درهٔ کیلیان (غرب ختن) دیده می‌شوند. دره‌های وخان‌دریا و سرحد، بین پامیر و هندوکش شرقی، در ارتفاع ۲۵۰۰ متری از سطح دریا قرار گرفته‌اند. به نظر مرگستیرنه^۱ وخان‌های چترال و سین‌تسیزیان در نیمهٔ دوم قرن ۱۹ از سرحد و وخان کوچیده‌اند. به نظر می‌رسد قبایل و مردمی (مانند قبایل سکایی پامیر شرقی و ترکستان چین) که در آستانهٔ عصر حاضر در مسیر حرکت خود به غرب از وخان می‌گذشته‌اند در شکل‌گیری زبان و فرهنگ وخی‌ها، به‌ویژه وخی‌های سرحد و وخان،

1) G. MORGENSTIRNE

نقش بسیار مهمی داشته‌اند. اشتاین^۲ در اثر خود که به سال ۱۹۲۱ منتشر شد این راه را مسیر اصلی بین غرب و مرکز آسیا دانسته است. و خان در گذشته محل اتصال راه‌های کاروان‌رو از افغانستان و مناطقی در جنوب تا هندوکش بوده است. زمانی این منطقه مسیر جاده ابریشم به چین بوده که مارکوپولو از آن گذر کرده است. (← کامنسکی، ص ۶)

کامنسکی^۳ در مقدمه فرهنگ آورده که شمار و خان‌ها مشخص نیست؛ زیرا هیچ‌گاه و خان‌هایی که در اتحاد جماهیر شوروی زندگی می‌کرده‌اند سرشماری نشده‌اند. در ۲۷ دهکده‌ای که و خان‌ها به سر می‌برند، نزدیک به ده هزار نفر زندگی می‌کنند. احتمالاً تعداد کل و خان‌ها از بیست تا بیست و پنج هزار نفر تجاوز نمی‌کند. شیوه اداره اقتصادی، ساخت مسکن و بسیاری از آداب و آیین‌های و خان‌ها، نیز همگانی‌های زبان‌شناسی قومی در محدوده بدخشان شرقی در پامیر-هندوکش، با دیگر اقوام پامیرهای اولیه تفاوت‌های اندکی را نشان می‌دهد. کار اصلی و خان‌ها کشاورزی و دامپروری است. وخی‌ها مانند بیشتر پامیرهای باقی‌مانده پیرو مذهب اسماعیلیه هستند.

زبان وخی‌ها را معمولاً با گروه گویش‌های شغنی-روشنی، یزغلامی و اشکاشمی جزء گویش‌های پامیری به شمار می‌آورند. همه این زبان‌ها جزء زبان‌های شرقی ایران محسوب می‌شوند، اما نسبت خویشاوندی آنها با یکدیگر متفاوت است. با این همه زبان‌های پامیری، حتی با رابطه دور خویشاوندی، در سطوح آواشناسی-واج‌شناسی و صرف و نحو با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و، در واقع، منطقه زبانی را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، اصطلاح زبان پامیری هم به موقعیت جغرافیایی این زبان‌ها مربوط می‌شود و هم گواه وجود جامعه‌ای زبانی است که با یکدیگر رابطه خویشاوندی دارند.

مطالعات گریونبرگ^۴ و مؤلف (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که رده‌بندی محدوده زبان‌های پامیری منطبق بر مرزهای زبان‌شناختی-قومی بدخشان شرقی و متشکل از یکی از سه منطقه زبانی-قومی هندوکش است. رابطه خویشاوندی یکی از عوامل مهمی است که در بدخشان شرقی سبب ایجاد منطقه زبانی شده است. از دیرباز حوزه دوزبانگی گسترده‌ای در این منطقه وجود داشته است، بیشتر مردم گذشته از زبان‌های پامیری به

2) A. Stein

3) И.М. Стеблин - Каменский

4) А.Л. Грюнберг

زبان دری یا فارسی کابلی نیز تسلط دارند. این زبان، زبان مذهب، ادبیات عامه، مکاتبات و نیز زبان میانجی در میان پامیری‌هاست که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند. کامنسکی در مقدمه فرهنگ آورده است که روند نفوذ زبان‌های نیرومند در منطقه منزوی هندوکش بسیار شدید است. زبان تاجیکی زبان وخی را از همه محیط‌های کاربرد آن، حتی از محیط خانواده، از میدان به در برده است. تعداد واژه‌های دخیل از تاجیکی به وخی، به سبب دوزبانگی، نامحدود است. به نظر نویسنده، گاه صورت آوایی و معنایی واژه قرضی سبب می‌شود که آنها را حاصل تحول ایرانی باستان بدانیم؛ اما واژه‌های وخی مانند sar «سر»، sang «سنگ»، rang «رنگ»، ar «هر» نمی‌توانند وخی آغازین به شمار آیند، زیرا واژه‌هایی از این دست در همه زبان‌های دیگر این منطقه (از جمله زبان‌های غیرایرانی) مشاهده می‌شوند. بنابراین حاصل تحول مستقیم ایرانی باستان نیستند.

مرگنستیرنه، ساکالوا^۵ (برای زبان شغنی و مونجانی) و دادیخدایف^۶ (برای شغنی) گاهی به این نکته توجه کرده‌اند. در نوشته‌های آنها به ندرت واژه‌های پامیری مشتق از ایرانی باستان دانسته شده، بلکه آن را برگرفته از تاجیکی دانسته‌اند. آنها، با توجه به تاجیکی‌شدگی زبان‌های منطقه پامیر و هندوکش، واژه‌ها را در موارد مشکوک قرضی برشمرده‌اند، شیوه‌ای که مؤلف نیز در اثر حاضر از آن پیروی کرده است.

زاروین^۷ زبان‌های این منطقه را، با توجه به شرایط زبان‌شناختی در پامیر و هندوکش، زبان‌های به هم آمیخته نامیده است (کامنسکی، ص ۹). از آنجا که فهم زبان‌های منزوی معمولاً نسبی است، همه زبان‌های منطقه پامیر و هندوکش، در تمام سطوح ساختاری خود خصیصه‌های مشترک بسیاری دارند. وخی‌ها در شرق با قرقیزها و سریکلی‌ها، در شمال با شغنی‌ها، در غرب با اشکاشمی‌ها و کوه‌نشینان تاجیکی زبان و در جنوب با کِخوها و بوریشکی‌ها همسایه‌اند. بررسی‌های کامنسکی نشان می‌دهد که زبان وخی‌های چترال و کنجوت بیشتر تحت تأثیر زبان‌های کخوری و بوروشاسکی است تا زبان ساحل راست وخی‌ها؛ و لهجه وخی‌های چترال، کنجوت و سینتزیان ظاهراً نوع خاصی از گویش‌های زبان وخی است که، به دلیل فقدان منابع کافی و معتبر، مؤلف نتوانسته تعریف روشنی از تفاوت‌های آن به دست دهد.

5) В.С. Соколова

6) Р.Х. Додыхудоев

7) N.N. Зарубин

کامنسکی در این فرهنگ، بر اساس پژوهش‌های میدانی و مشاهدات شخصی، سه منطقه را از نظر ویژگی‌های گفتاری جدا می‌کند: وخان سفلی (دهکده‌هایی از نیژنی نمتگوت تا شیت‌هرو)؛ وخان میانی (از زمودگ تا دریدژه)؛ وخان علیا (از شیرگین تا رتم). گویش وخی‌های سرحد ظاهراً به گویش وخان علیا نزدیک است، اما در این مورد هم مؤلف، به دلیل کمبود منابع، درباره ویژگی‌های آن نظر قطعی نداده است. بین زبان‌های ساحل راست و چپ (افغانی) وخانی، در آغاز، ظاهراً، تفاوت خاصی نبوده، اما طی ده سال اخیر تفاوت‌هایی به وجود آمده است که با بررسی دقیق واژگان قرضی قابل مشاهده‌اند. زبان وخی افغانستان از پشتو و زبان ساحل راست از زبان‌های روسی و تاجیکی (گونه ادبی) قرض‌گیری کرده‌اند.

مطالعه زبان وخی با فهرستی از شش واژه وخی الکساندر بورنس^۸ و یادداشت‌های منتشرنشده زاروین درباره واج‌شناسی وخی آغاز و مجموعه مطالب آنها، بعدها، در مقاله‌های ساکالوا و گریونبرگ، ادلمان^۹ و پاخالینا^{۱۰} منتشر شد (کامنسکی، ص ۱۰). در مقدمه کتاب کامنسکی به نقش پراهمیت خاورشناس انگلیسی، رابرت برکلی شوی^{۱۱}، در تاریخ مطالعات زبان وخی و دیگر زبان‌های پامیری اشاره شده است. شوی به زبان‌های زنده شرقی (مانند هندی، ایرانی و ترکی) مسلط بوده و از نوشته‌ها و آثار او برمی‌آید که به خوبی با زبان‌های هندواروپایی (فارسی باستان، اوستایی، سنسکریت) آشنا بوده است. به نظر مؤلف، دقت و صحت پژوهش‌ها و نوشته‌های شوی از آثار بسیاری از پژوهندگان قبل و بعد از او (یولر^{۱۲}، شولد^{۱۳}، لریمر^{۱۴} و دیگران) قابل تأمل تر است. شوی (در سال‌های ۱۸۷۱، ۱۸۷۶ و ۱۸۷۷) برای نخستین بار مطالبی غنی درباره زبان وخی گردآوری کرد. او به ویژگی‌های زبان وخی در بین زبان‌های پامیری، به سبب قدمت آن، توجه کرد و، برای نخستین بار، واژه‌های وخی را با واژه‌های ایرانی و سنسکریت باستان و نیز با واژه‌های زبان‌های زنده هندواروپایی مانند دَرَدی مقایسه کرد. تطبیق بیش از ۶۰ نمونه از واژه‌های وخی با واژه‌های ایرانی و هندی باستان حاصل مطالعات تطبیقی اوست.

8) A. Burnes

9) Д.И. Эдельман

10) Т.Н. Пахалина

11) R.B. Shaw

12) A.H. Juler

13) H. Sköld

14) D.L.R. Lorimer

توماشک^{۱۵} و نیز گایگر^{۱۶} در مقاله‌های انتشاریافته خود درباره زبان وخی از مطالب شوی استفاده کرده‌اند. مدت‌ها بعد، درباره زبان وخی در آثار یولر (درباره واژه‌ها و دستور) و شولد (نزدیک به ۵۰۰ واژه) نیز مطالبی چاپ شد. در ۱۹۳۶ هم کلیمچتسکی^{۱۷} کتاب نسبتاً مختصری منتشر کرد که شامل متن‌های کوتاه، همراه با دستور زبان و آواشناسی مختصر زبان وخی، از قریه لنگر است. (← گریونبرگ و کامنسکی) مهم‌ترین اثر در زمینه مطالعات تاریخ زبان وخی را تاکنون مرگنستیرنه، دانشمند برجسته نروژی، به دست داده است. او در بخش‌هایی از جلد دوم اثر خود (ص ۴۲۹-۵۵۰) ریشه‌شناسی بیش از ۲۰۰ واژه جدید وخی را آورده است. در ۱۹۵۸ لریمر دستور زبان و فرهنگ واژگان وخی را منتشر ساخت با تعداد اندکی متن که در منطقه هنزه گردآورده بود. زاروین نیز مطالب بسیاری از زبان وخی در دوره شوروی گردآورد که هیچگاه منتشر نشد و هم‌اکنون در مؤسسه زبان‌شناسی آکادمی علوم روسیه نگهداری می‌شود. ساکالوا در اثر خود آواهای زبان‌های ایرانی بخشی را به واکه‌ها و همخوان‌های وخی اختصاص داد. از دیگر منابع نوشته شده درباره زبان وخی می‌توان به زبان وخی نوشته پاخالینا و مقاله او با نام «زبان‌های پامیری» اشاره کرد که در کتاب زبان‌های مردم شوروی منتشر شد. (← گریونبرگ و کامنسکی)

در ۱۹۷۱ کامنسکی بر روی دستگاه واکه‌ای زبان وخی پژوهشی انجام داد و نتایج حاصل از آن را منتشر کرد. او در همان سال نتایج تحقیقات خود درباره آواشناسی تاریخی آواهای وخی را نیز منتشر کرد.

گریونبرگ و کامنسکی در ۱۹۷۶ کتاب زبان وخی را منتشر کردند که در آن مطالبی بسیار غنی درباره ادبیات عامه (فولکلور)، قوم‌شناسی و نیز متن‌های وخی آمده است. این متن‌ها، که در بدخشان (روسیه و افغانستان) گردآوری شده است، نمونه‌هایی از ادبیات عامه، گفتار زنده و قصه‌هایی با مضمون قومی‌اند. مقاله‌ای درباره دستور زبان وخی و، سرانجام، فرهنگ واژه‌های وخی-روسی (نزدیک به ۶۰۰۰ واژه) از دیگر مطالب این کتاب است.

فرهنگ ریشه‌شناسی زبان وخی عبارت است از: مقدمه، مقاله مختصری درباره آواشناسی تاریخی زبان وخی، فهرست منابع و اختصارات، فرهنگ واژگان، فهرست

15) W. Tomashek

16) W. Geiger

17) С.И. Климчицкий

مکمل واژه‌های وخی، تصویرهای گوناگونی از ابزارها، طبیعت و مردم و خان. فهرست مندرجات نیز در پایان کتاب آمده است. در صفحه پیش از عنوان نقشه گستره زبان وخی و در صفحه پایانی پشت جلد نیز نقشه مناطق زبانی قومی پامیر-هندوکش، همراه با مختصری از شرح حال نویسنده، آمده است.

اثر حاضر، حاصل پژوهش‌های کامنسکی در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ در ساحل راست و خان است که فرهنگ وخی-روسی با همکاری گریونبرگ بر اساس آن تدوین شده است. مؤلف از همه متن‌ها و نوشته‌های گریونبرگ (در بدخشان افغانستان در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶) نیز بهره برده است.

کامنسکی یادداشت‌های بخش اصلی را در ۱۹۶۷ در قریه زمودگ (واقع در و خان میانه) فراهم آورده است. مضمون بیشتر متن‌ها قصه‌ها و افسانه‌های قومی است. عبارت‌ها و واژه‌ها نیز از گویشوران گردآوری شده است. متن‌های کامل و دیگر منابع زبانی به دست آمده در قریه‌های مختلف ساحل و خان، توانسته است تفاوت‌های اندک گویش‌های زبان وخی را مشخص کند. نویسنده در سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۶ تمام یادداشت‌ها را بازبینی و تکمیل کرد و همه آثار پژوهندگان گذشته (مانند فرهنگ‌ها، فهرست واژگان شوی، مرگستیرنه، کلیمچتسکی، زاروبین، پاخالینا، لریمر، شاه عبدالله بدخشی و دیگران) را نیز بررسی و مطالعه کرد. کامنسکی در و خان از گویش وخی-تاجیکی (به ویژه در قریه یمگ و چلتک) مطالبی را گردآوری کرد. او درباره دیگر گویش‌های شمال شرقی افغانستان (بدخشان و مناطق مجاور)، علاوه بر یادداشت‌های شخصی، از آثار نویسندگان دیگر مانند کیسیلیاکف^{۱۸}، رزنفلد^{۱۹}، راستارگویو^{۲۰}، باگارد^{۲۱} و دیگران نیز بهره جست و در زمینه ادبیات عامه و قوم‌شناسی به منابع بسیار مهمی از آندریو^{۲۲}، پیشرو^{۲۳}، بالدیرف^{۲۴} و دیگران دست یافت. کامنسکی مطالعه تطبیقی درباره زبان‌های پامیری و دیگر زبان‌های ایرانی شرقی را، با تکیه بر کارهای زاروبین، ساکالوا، پاخالینا، گریونبرگ، ادلمان، آندریو، پیسارچیک^{۲۵} و پیشرو، انجام داد. همه مطالب زبان‌های ایرانی شرقی، به جز برخی کارهای اولیه زاروبین و مطالب قوم‌شناختی،

18) Н.А. Кисляков

21) Ю.И. Богорад

24) А.Н. Болдырев

19) А.З. Розенфельд

22) М.С. Андреев

25) А.К. Писарчик

20) В.С. Расторгуева

23) Е.М. Пещерева

آوانویسی شده‌اند. منابع شفاهی زبان‌های هندواروپایی و بوروشاسکی و مانند آن آوانویسی تقریبی شده‌اند و در اثر حاضر به صورت نقل قول حفظ شده‌اند.

پیکره واژه‌های این فرهنگ تقریباً همان واژه‌های فرهنگ وخی-روسی است، به استثنای دو دسته از آنها، که مؤلف در اثر حاضر آنها را حذف کرده است: نخست وام‌واژه‌های تاجیکی که جزء واژه‌های درسی (آموزشی) به شمار می‌آیند و جزء زبان روزمره و محاوره‌ای وخی محسوب نمی‌شوند، به ویژه اگر معادل وخی آنها نیز موجود باشد؛ دیگر واژه‌های دخیل روسی است که تعدادشان رو به افزایش است و مرز مشخصی ندارند. اما مؤلف دسته‌ای از وام‌واژه‌های تاجیکی را، به سبب کاربرد فراوان در متن‌ها و نیز کاربرد بخشی از آنها در گفتار روزمره، به پیکره واژگان این فرهنگ افزوده است؛ واژه‌هایی که معادل وخی آنها موجود نیست و واژه‌هایی که جزء واژگان تاریخی-قومی و ملموس زندگی و خان‌ها هستند و همواره استفاده می‌شوند.

مؤلف واژه‌ها را، در تمام موارد بحث‌انگیز و مشکل‌ساز غیرمنطبق با معیارهای تعیین شده، در فهرست واژه‌های مکمل انتهای کتاب جای داده است. بدین‌سان، فهرست شامل همه واژه‌های وخی انتخاب شده از متون و یادداشت‌های جداگانه است، به جز واژه‌هایی که ریشه‌شناسی وخی آنها کم‌اهمیت یا واژه‌هایی که پیشینه آنها تا اندازه‌ای مبهم است، که در این صورت در فهرست واژه‌های مکمل گنجانده شده‌اند. این فهرست شامل واژه‌هایی است که گویشوران آنها را تأیید نکرده‌اند، اما در منابع، برای نشان دادن مطالعات تاریخی-تطبیقی به کار رفته‌اند. به نظر مؤلف، این واژه‌ها در گویش‌های سرحد یا کنجوت وخی وجود داشته یا دارند.

مدخل‌ها از واژه‌های پرکاربرد در گونه و خان میانه انتخاب شده‌اند و در صورت نیاز به شرح قواعد آواشناسی، با شماره‌ای درون کمانه به مقاله آغازین کتاب ارجاع داده شده‌اند. مدخل‌های فعلی ستاک زمان حال یا گذشته‌اند و در مواردی که ساخت فعل متفاوت با معیارهای غالب فعل‌های وخی است، صورت نقلی، مصدر، اسم مصدر و سوم شخص زمان حال هم داده شده است. مؤلف در مقدمه قواعد ساخت‌های فعلی را ذکر کرده و در موارد لزوم، برای مشخص کردن نوع فعل، به مقاله آغازین کتاب ارجاع داده است. پس از مدخل معادل واژه به زبان روسی و به دنبال آن تعریف مدخل آمده است. مدخل‌های هم‌آوا و متشابه با ارقام رومی و معانی مختلف هر واژه با اعداد معمول

نشان داده شده. معانی نزدیک به هم نیز با نشانه «۴» از یکدیگر جدا شده‌اند. مثال‌های به کار رفته برای هر واژه، طبق روال کلی، به روسی ترجمه نشده‌اند؛ جز در مواردی که واژه دشوار شناخته شده یا برابر معنایی آن یافت نشده است که در این صورت برابریابی شده‌اند). در تعریف هر واژه، اصطلاحات مختلف قومی نیز شرح داده شده‌اند. نام گیاهان و حیوانات با واژه تاجیکی گونه وخی (با نشانه Bax-Taж) مشخص شده‌اند. در ادامه، ریشه‌شناسی واژه بررسی شده و صورت بازسازی شده اولیه ایرانی شرقی باستان آن آمده است که گاه صورت آغازین ایرانی مشترک را روشن می‌کند و، به دنبال آن، مطابقت با دیگر صورت‌های زبان‌های ایرانی یا هندوآریایی آمده است. ترتیب قرار گرفتن زبان‌های ایرانی عبارت‌اند از ایرانی باستان، ایرانی میانه، ایرانی نو، و نیز ایرانی شرقی و ایرانی غربی. در پایان تعریف، منابع مربوط به ریشه‌شناسی یا تطبیق واژه وخی با دیگر واژه‌های معادل آن در زبان‌های خویشاوند آمده است. در تعریف، واژه‌های قرضی نیز، به جز واژه‌های قرضی تاجیکی، شرح داده شده‌اند. در پایان مقدمه آمده است که کار اصلی بر روی فرهنگ وخی در دهه هشتاد به پایان رسیده و از منابع منتشر شده پس از آن، به شیوه‌ای نظام‌مند، استفاده نشده است.

درباره آواهای زبان وخی مقاله‌ای در آغاز کتاب آمده است که هر مبحث آن شماره‌گذاری شده و در واژه‌نامه، برای شرح مباحث لازم، به این شماره‌ها ارجاع داده شده است. در این مقاله، پس از مقدمه‌ای کوتاه، مطالب زیر آمده است: صامت (همخوان) شامل تاریخ تثبیت و ویژگی‌های کلی آن، بازسازی صورت اولیه، همخوان‌های وخی و چگونگی تحول همخوان‌های وخی. به دنبال آن، مبحث واکه‌ها یا مصوت‌های معاصر آمده که شامل تاریخ تثبیت و بررسی واکه‌های کشیده و نیز بحث مستقلی درباره آوای 'e' است. سپس مؤلف به تکیه و دو گونه ثابت و متحرک آن پرداخته است. تبدیل واکه‌ها و بررسی تاریخ واکه‌های وخی آخرین مطلب این قسمت است که در آن بازسازی صورت‌های اولیه و بازتاب واکه‌های ایرانی کهن شرح داده شده‌اند. کامنسکی با بررسی آواهای تاریخی ستاک‌های فعلی، انواع ساخت‌های فعلی و تکیه افعال به همراه نمودارهایی از تحول واکه‌های وخی مقاله را به پایان برده است.

این اثر را می‌توان نخستین فرهنگ ریشه‌شناسی یکی از زبان‌های ایرانی شرقی (شفاهی) دانست که در غرب پامیر و شرق هندوکش رایج است. شرح مختصر

آواشناسی تاریخی زبان وخی در آغاز این اثر و بررسی قوانین تحول آواهای این زبان از ایران باستان تاکنون از ویژگی‌های قابل توجه کتاب حاضر است. در این اثر از شرح بیش از سه هزار واژه و خانی، که کامنسکی و دیگر پژوهندگان ثبت کرده‌اند، استفاده شده است. مؤلف کوشیده است تا برابری به کار رفته را از همه زبان‌های ایرانی (در مرحله نخست، از دیگر زبان‌های پامیری) و غیرایرانی و گویش‌های پامیر و هندوکش (دردی، کفیری، هندوایرانی، ترکی، بوروباسکی) به دست دهد. دیگر ویژگی درخور این کتاب در اختیار قرار دادن اطلاعات بسیار مهم و مفید درباره قوم‌شناسی، تاریخ و باورهای اقوام پامیر است و مستند ساختن اطلاعات موجود در آن با ذکر منابع اختصاص نمایه‌ای مربوط به واژه‌های زبان‌ها و گویش‌های مختلف در این فرهنگ بسیار ضروری است، که متأسفانه در این فرهنگ نادیده گرفته شده است.

منابع

- Грюнберг А.Л., И.М. Стеблин - Каменский (1976). **Языки Восточного Гиндукуша. Ваханский Язык (тексты, словарь, грамматический очерк)**. (زبان‌های شرق هندوکش، زبان و خانی، متن‌ها، واژه‌نامه، مقاله دستور زبان) Москва.
- Стеблин - Каменский И.М. (1999). **Етимологический словарь ваханского языка** (فرهنگ ریشه‌شناسی زبان وخی) СПб.: Петербургское Востоковедение.
- Грюнберг А.Л., И.М. Стеблин-Каменский (1974). **Этнолингвистическая характеристика Восточного Гиндукуша Проблемы картографирования в языкознании и этнографии**, (ویژگی زبان‌شناسی قومی هندوکش شرقی، مسائل نقشه‌نگاری زبان‌شناسی و قوم‌شناسی) Ленинград.

